



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مدیریت تحصیلات تکمیلی
پژوهشکده زبانشناسی

رساله دکتری رشته فرهنگ و زبانهای باستانی

زیبایی شناسی آثار منظوم سغدی، پارسی و پارتی در دوره میانه

استاد راهنما

دکتر زهره زرشناس

استادان مشاور

دکتر کتابیون مزداپور

دکتر ابوالقاسم رادفر

پژوهشگر

عباس آذرانداز

مرداد ماه ۱۳۹۱

«دو»

چکیده

آثار منظوم دوره میانه در ایران که عمدتاً به زبانهای فارسی میانه و پارتی باقی مانده‌اند، به دو دسته اشعار جامعه زردشتی و سرودهای مانوی تقسیم میشوند. برخی از مهمترین آثار جامعه زردشتی، چون یادگار زریران و درخت آسوری میراث سنت شفاهی دوره اشکانی است، و برخی چون اندرزنامه‌های منظوم به ادبیات توده تعلق دارد، و اشعار اندکی نیز دارای ماهیت دینی هستند. سرودهای مانوی نیز دو دسته‌اند، سرودهای ستایشی که به شیوه یشتها سروده شده، و دسته دوم سرودهای عرفانی که مضمون آنها جدایی روح انسان از اصل خود است. اشعار مانوی به زبانهای فارسی میانه و پارتی سروده شده‌اند و ترجمه‌هایی پراکنده نیز از این اشعار به زبان سغدی در دست است.

در این رساله، اشعار فارسی میانه، پارتی و ترجمه‌های موجود سغدی آنها، اعم از زردشتی و مانوی از لحاظ زیباشناختی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. در بخش اشعار جامعه زردشتی به اندرزنامه‌های منظوم، یادگار زریران و درخت آسوری پرداخته و بقیه اشعار معرفی شده‌اند؛ و در بخش سرودهای مانوی، بلاغت اشعار مانویان به زبانهای فارسی میانه، پارتی و سغدی مورد تحلیل قرار گرفته است. بررسی صورت گرفته نشان می‌دهد که اشعار زردشتی و مانوی علیرغم مشترکات در مواردی چون وزن و قافیه، در استفاده از جلوه‌های بلاغی با یکدیگر تفاوت دارند، این تفاوت یا به دلیل نوع ادبی آنها (حماسی، تعلیمی یا غنایی) پدید آمده، یا به سبب مضمون و درونمایه متفاوت دو گروه اشعار بوده و یا از نفوذ عناصر بیگانه در شعر مانوی ناشی شده است. این عوامل موجب شده که در اشعار مانوی توجه بیشتری به عناصر حوزه بیان و بدیع چون تشبیه، استعاره، تمثیل و موسیقیهای لفظی و معنوی کلام شده است، در حالی که در اشعار جامعه زردشتی قدرت تنظیم، وصف و اغراق چشمگیرتر، عاطفه قویتر و پیوند با اجتماع بیشتر است. شعر دوره میانه به منزله حلقه اتصال بین شعر باستان و شعر فارسی، از یک سو ادامه‌دهنده سنتهای اشعار باستانی چون گاهان و یشتهاست، از سوی دیگر نمودار پیشینه بسیاری از گرایشهای ایرانی به عناصر زیبایا‌فرین در شعر است.

پیشگفتار

به گواهی آثار موجود، شعر در ایران پیشینه‌های چند هزارساله دارد، اما عوامل اجتماعی، سیاسی و نیز سنت شفاهی شعر سبب شده است که بخش اعظمی از این میراث ادبی، آن بخش که به دوره باستان و میانه مردم ایران تعلق داشته است از میان برود و تنها بخش کوچکی از آسیب زمانه محفوظ بماند. این اشعار، بتردید به دلیل خاستگاه مردمی خود، ذوق و هنر راستین ایرانی را منعکس میکرده است که امروزه در دست نیست، اما همین مقدار نیز کافی است نشان دهد بیسبب و مقدمه نبوده که شعر در ایران توانسته است به قله‌های رشکانگیز شکوه و افتخار دست یابد.

شعر دوره میانه، هنر سخنسرایی ایران باستان را، که گاهان و یشتها نمونه‌هایی از آن است، به اشعار فردوسی و سنایی و نظامی و سعدی و مولانا و حافظ در دوره سوم تاریخ ادبی ایران پیوند زده است. آثار بازمانده از زبانهای فارسی میانه و پارتی در دوره میانه گرچه اندک است، اما تجربه ایرانیان را در همه زمینهای ادبی حماسی، تعلیمی و غنایی نشان میدهد، اشعاری که مضامین و حتی اسلوب بیان و تنظیم آنها در دوره بعد نیز ادامه یافته و دستمایه شاعران پارسی گوی شده است.

بخش زیادی از آثار دوره میانه را نوشته‌های مانوی تشکیل میدهد که در اوایل قرن بیستم در میان ویرانه‌های ناحیه‌های به نام تورفان در ترکستان چین کشف گردید، این اشعار به زبانهای فارسی میانه، پارتی و سغدی با خطی که نسبت به خطهای دیگر دوره میانه ابهام کمتری دارد سروده شده است. غنای فکری، زبانی و ادبی آثار مانوی برگ زرین دیگری را از شعر دوره میانه آشکار و راه را برای بررسیهای زبانی، ادبی و زیباشناختی ادبیات دوره میانه هموارتر ساخت.

رساله حاضر به ویژه گیهای ادبی و زیباشناختی آثار منظوم دوره میانه در زبانهای فارسی میانه، پارتی و نیز به آن دسته از سرودهایی که مانویان سغدی زبان ترجمه کرده اختصاص یافته است، از این رو رساله در دو فصل تنظیم شده است، فصل نخست در باره اشعار جامعه زردشتی چون یادگار زیریران، درخت

«پنج»

آسوری و اندرزنانه‌های منظوم است، و فصل دوم به ویژگی‌های ادبی و بلاغی سروده‌های مانوی می‌پردازد. از آنجا که مواردی که در کتب بلاغت دوره اسلامی مذکور است، مانند جلوه‌های بیانی و صنایع ادبی در اشعار مانوی بیشتر یافت می‌شود، این موارد در واحدهای مجزا با آنها تطبیق داده شده بنابراین فصل مربوط حجم بیشتری را به خود اختصاص داده است. اما در بخش اشعار زردشتی چون بلاغت این اشعار به قدرت تنظیم آنها و ویژگی‌هایی بستگی داشت که در قالب تعریف نمی‌گنجید، آثار به طور جداگانه مورد تحلیل قرار گرفته است. در واقع عناصر بلاغی در برجسته‌ترین نمونه‌های منظوم اشعار جامعه زردشتی چون یادگار زریران، درخت آسوری و اندرزنانه‌ها جستجو و موارد اشتراک آنها با اشعار فارسی نیز نشان داده شده است.

در انتخاب برخی ملاک‌های تحلیل شعر، بویژه در فصل سروده‌های مانوی از کتابهای *صور خیال در شعر فارسی* و *موسیقی شعر استاد شفیع کدکنی*، و کتاب *سفر در مه استاد پورنامداریان بهره فراوانی بردهام*. در معرفی اشعار کوتاه فارسی میانه زردشتی، آوانویسی و ترجمه استاد ابوالقاسمی در کتاب *شعر در ایران پیش از اسلام* نقل شده است، و در نحوه مصرع‌بندی و آرایش سطرهای برخی از سروده‌های مانوی نیز از کتاب *سروده‌های روشنائی استاد اسماعیل‌پور* استفاده شده است.

در آوانویسی روش مکتبی به کار گرفته شده است، مگر در مواردی که شاهد مثالی از پژوهنده‌های نقل شده که از روش دیگر در آوانویسی پیروی کرده است. ترجمه اشعار مانوی از نگارنده است، اما در اشعار جامعه زردشتی چون یادگار زریران و درخت آسوری از ترجمه‌های دکتر نوایی و دکتر بهار استفاده شده، اما اگر در مواردی دیدگاه قابل قبولی از صاحب‌نظری دیگر در قرائت واژه‌های یا مصرعی پیشنهاد شده، با ذکر منبع آن ترجمه ترجیح داده شده است.

سروده‌های مانوی فارسی میانه و پارتی که مورد بررسی قرار گرفته است، عمدتاً از دو کتاب مری بویس، *درسنامه او (1975)* و *دو منظومه بلند به زبان پارتی (1954)*، (نک. کتابنامه) اخذ شده است. اشعاری که از درسنامه نقل گردیده با نشانه R و شواهدی که از منظومه‌ها آورده شده با نشانه H برای منظومه هویدگمان، و A.R برای منظومه *نگدروشان* مشخص شده است.

دورهٔ تحصیل در این مقطع فرصت مغتنمی بود که از دانش و منش استادان بیدیل عرصهٔ فرهنگ و ادب این سرزمین بهرهٔ فراوانی ببرم، از این رو:

سپاسگزارم از استاد عزیز، سرکار خانم دکتر زرشناس که از راهنماییهای ارزندهٔ ایشان درسهای بسیار گرفته‌ام، از بانوی دانشمند، سرکار خانم دکتر مزدپور که نکات بسیاری از ایشان آموختم، از استاد گران - سنگاقای دکتر رادفر که از سالیان دور از فضل و دانش ایشان بهره بردهم.

نیز از آقای دکتر ابوالقاسمی، آقای دکتر راشد محصل و سرکار خانم دکتر میرفخرایی که فضایل و آثار ایشان فراراه من بوده و خواهد بود، همچنین از سرکار خانم دکتر بهبهانی و خانم دکتر باقری، دوست عزیز که داوری رساله را به عهده داشته، نکات سودمندی را یادآوری کردند، بسیار سپاسگزارم.

از دوستان گرامی، آقایان حمیدرضا دالوند و مهدی مشکریز نیز برای خلوص بی‌شائبه و همیاریهایشان در طول دورهٔ تحصیل، و خانم دکتر فخرشفايي برای اصلاحات در چکیدهٔ انگلیسی سپاس فراوان دارم.

در پایان لازم میدانم مراتب سپاس و قدردانی خود را از برادرم حسین، خواهرم خاطره، برادر همسرم، آقای حسین مهین بهزادی و دوست و یاور همیشهم کمال (دکتر بارزی) بهجای آورم.

فهرست

فصل اول: کلیات.....	۱
۱-۱. مسأله پژوهش.....	۱
۱-۲. موضوع پژوهش.....	۱
۱-۳. قلمرو پژوهش.....	۱
۱-۴. اهمیت و ضرورت پژوهش.....	۲
۱-۵. اهداف پژوهش.....	۲
۱-۶. کاربردهای پژوهش.....	۳
۱-۷. نوع پژوهش.....	۳
۱-۸. سؤالات پژوهش.....	۳
۱-۹. فرضیههای پژوهش.....	۳
۱-۱۰. تعریف واژههای مهم و کلیدی.....	۴
فصل دوم: روششناسی پژوهش.....	۵
فصل سوم: پیشینه موضوع پژوهش.....	۶
فصل چهارم: زیباشناسی آثار منظوم دوره میانه.....	۱۴
۱-۴. زمینه تاریخی بحث.....	۱۴
۱-۴-۱. گاهان.....	۱۹
۱-۴-۱-۱. بوطیقای گاهان.....	۲۰
۱-۴-۱-۲. وزن و ترکیبندی خاص.....	۲۰
۱-۴-۱-۳. واژهگزینی به ضرورت شعر.....	۲۱
۱-۴-۱-۴. ابهام و رمزوارگی عامدانه.....	۲۲

- ۲۲ ۴-۱-۱-۵. شیوه خطاب به نفس یا تجرید.
- ۲۵ ۴-۱-۱-۶. وحدت مبتنی بر تضاد.
- ۲۷ ۴-۱-۱-۷. بلاغت گاهان.
- ۲۹ ۴-۲-۱. اشعار جامعه زردشتی.
- ۳۳ ۴-۲-۱. اندرزنامه‌های منظوم.
- ۳۴ ۴-۲-۱-۱. اندرز بهزاد فرخ پیروز.
- ۳۵ ۴-۲-۱-۲. خیم و خرد فرخ مرد.
- ۳۷ ۴-۲-۱-۳. در ناپایداری دنیا.
- ۳۸ ۴-۲-۲-۱. یادگار زریران.
- ۴۰ ۴-۲-۲-۱. وزن و قافیه.
- ۴۲ ۴-۲-۲-۲. یادگار زریران اثری حماسی.
- ۴۳ ۴-۲-۲-۳. وجه حماسی روایت داستان.
- ۴۴ ۴-۲-۲-۴. اغراق.
- ۴۸ ۴-۲-۲-۵. تکرار.
- ۵۱ ۴-۲-۲-۶. صفت.
- ۵۳ ۴-۲-۲-۷. جلوه‌های بیانی.
- ۵۳ ۴-۲-۲-۱-۷. تشبیه.
- ۵۵ ۴-۲-۲-۲-۷. استعاره.
- ۵۵ ۴-۲-۲-۳-۷. کنایه.
- ۵۷ ۴-۲-۳. درخت آسوری.
- ۵۹ ۴-۲-۳-۱. مناظره بز و نخل.
- ۶۱ ۴-۲-۳-۲. تمثیل بز و نخل.
- ۶۴ ۴-۲-۳-۳. لغز درخت آسوری.

۶۶۴-۳-۲-۴. شریطه در درخت آسوری.....
۶۸۵-۳-۲-۴. صناعات ادبی.....
۷۱۴-۲-۴. دیگر اشعار جامعه زردشتی.....
۷۱۱-۴-۲-۴. کتیبه حاجی آباد.....
۷۲۲-۴-۲-۴. قطعات از بندهش.....
۷۳۳-۴-۲-۴. قطعات از دینکرد.....
۷۴۴-۴-۲-۴. آمدن شاهپهرام ورجاوند.....
۷۵۳-۴. سرودهای مانوی.....
۷۶۱-۳-۴. مانی پیامبر شاعر.....
۷۹۲-۳-۴. اندیشه مانی.....
۸۳۱-۲-۳-۴. آفرینش جهان.....
۸۳۲-۲-۳-۴. روند رستگاری.....
۸۴۳-۲-۳-۴. آفرینش انسان.....
۸۵۴-۲-۳-۴. فرجام انسان.....
۸۸۵-۲-۳-۴. فرجام جهان.....
۹۰۳-۳-۴. اخلاق و جامعه مانوی.....
۹۲۴-۳-۴. ویژگی کلی سرودهای مانوی.....
۱۰۰۵-۳-۴. بلاغت اشعار مانوی.....
۱۰۰۱-۵-۳-۴. تشبیه.....
۱۰۱۱-۱-۵-۳-۴. تشبیه گسترده.....
۱۰۴۲-۱-۵-۳-۴. تشبیه بلیغ.....
۱۰۷۳-۱-۵-۳-۴. تشبیه حسی و عقلی در اشعار مانوی.....
۱۱۲۴-۱-۵-۳-۴. تشبیه جمع.....

۱۱۴ تشبیه ملفوف. ۵-۱-۵-۳-۴
۱۱۴ تشبیه تفضیل. ۶-۱-۵-۳-۴
۱۱۵ استعاره. ۲-۵-۳-۴
۱۱۷ استعاره در اشعار مانوی. ۱-۲-۵-۳-۴
۱۲۴ استعاره تبعیه (فعلی). ۲-۲-۵-۳-۴
۱۲۵ عناصر سازنده تصویر. ۳-۵-۳-۴
۱۳۹ کنایه. ۴-۵-۳-۴
۱۴۲ صفت. ۵-۵-۳-۴
۱۴۹ عنصر رنگ و حسامیزی. ۶-۵-۳-۴
۱۵۴ صنایع بدیعی. ۷-۵-۳-۴
۱۵۶ موسیقی اصوات. ۱-۷-۵-۳-۴
۱۵۶ تکرار. ۱-۱-۷-۵-۳-۴
۱۶۱ هماهنگی صوتی. ۲-۱-۷-۵-۳-۴
۱۶۳ بدیع معنوی. ۲-۷-۵-۳-۴
۱۶۳ تضاد. ۱-۲-۷-۵-۳-۴
۱۶۷ ایهام. ۲-۲-۷-۵-۳-۴
۱۶۹ التفات. ۳-۲-۷-۵-۳-۴
۱۷۲ بررسی زیباشناختی یک سرود به زبان پارسی. ۶-۳-۴
۱۸۷ بررسی زیباشناختی سرودی به زبان فارسی میانه. ۷-۳-۴
۱۹۴ هویدگمان سُغدی. ۸-۳-۴
۲۰۲ نتیجه گیری. ۵
۲۱۰ کتابنامه.

۱ - کلیات

۱.۴. مسأله پژوهش

زبانهای ایرانی را از نظر تاریخی به سه دوره باستان، میانه و نو تقسیم میکنند، بنابراین ادبیات و شعر ایرانی را نیز باید در همین تقسیمبندی جای داد. از دوره باستان آثار منظومی که باقی مانده یکی گاهان است، کهنترین سند زبانی و شعر ایرانی سروده زردشت متعلق به زمانی میان قرن هشتم تا دهم قبل از میلاد، و دیگر یشتها، که زبان آن جدیدتر از گاهان اما بنمایه‌های برخی از سرودهای آن به دوره پیش از گاهان بازمیگردد.

زبانهای ایرانی میانه را به دو شاخه غربی و شرقی تقسیم کرده‌اند. شاخه ایرانی میانه غربی شامل زبان پارتی (یا پهلوانی یا پهلوی اشکانی)، زبان رایج دوره اشکانی (از حدود ۲۵۰ قبل از میلاد تا حدود ۲۲۴ میلادی) در شمال و شمال شرقی ایران، و فارسی میانه یا پهلوی، زبان رایج دوره ساسانی در جنوب و جنوب غربی ایران است. از این دو زبان اشعاری باز مانده است که برخی از آنها به جامعه زردشتی و برخی به جامعه مانوی تعلق دارد.

دوره نو زبانهای ایرانی شامل زبانهای متعددی از جمله زبان فارسی است که از لحاظ سخنوری و شعر دوره طلایی ادبیات ایرانی محسوب میشود.

یکی از زبانهای شاخه ایرانی میانه شرقی، زبان سغدی است که مانویانی که بدین زبان تکلم میکردند، اشعار و سرودهایی را عمدتاً از زبان پارتی به سغدی ترجمه کرده‌اند. این سرودها که متن منقح آنها اندک است، در رساله حاضر از لحاظ زیباشناختی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. زیباشناسی شعر ایرانی در دوره باستان و میانه جای تحقیق و پژوهش بسیار دارد. ملاکها و سنجهایی در گذشته شاید به صورت مدون وجود داشته که امروزه در دست نیست، کتابهایی از نوع

کاروند که علم بلاغت ایرانی در آن مذکور بوده است. با وجود این، در آثار، شواهدی وجود دارد - غیر از دلالت‌های خود اشعار- که تصریح به استفاده از یک عنصر بلاغی دارد، و این امر حکایت از آن میکند اصولی به شکلی مدون موجود بوده که از آن پیروی میشده است، مثلاً در گاهان در یسن ۳۱ زردشت از خود به عنوان دانایی نام میبرد که بر کلمات تسلط دارد، یا در یسن ۵۰ صراحتاً از «تأثیر زبان» خود سخن میگوید.

بدیهی است که در بررسی شعر هر دوره ضرورتی ندارد که ملاکهای نقد و زیباشناختی آن دوره موجود باشد تا بر مبنای آن به تحلیل آن آثار پردازیم. اگر چه هر ملتی با توجه به شرایط محیطی و اجتماعی سرزمین خود به برخی عوامل زیبایی‌آفرین در شعر گرایش بیشتری نشان میدهد، چنانچه مشترکات ادبی اشعار اقوام گوناگون هند و اروپایمؤید همین معنی است، مسلم است که بسیاری اصول زیباشناختی کلام ادبی در میان تمام ملتها یکسان است، اصولی که از آن میتوان به همگانیهای زیباشناختی تعبیر کرد. بنابراین به جای کوشش در دادن تعریفی از زیباشناسی، که باید وارد حوزه‌های فلسفه و روانشناسی شد، بهتر است به عوامل زیبایی‌آفرین در شعر توجه کنیم، که به گفته دکتر سیمین دانشور عبارت است از: «نظم، تناسب، هماهنگی، تکرار، تنوع، وحدت در کثرت، توازن، تقارن،

شگفتانگیزی، چندبعدی بودن و غیره» (دانشور، ۱۳۷۵: ۲۹-۳۴). اشعار دوره میانه ایران همانگونه که خواهیم دید، همه این عناصر را در خود دارند، چنانکه سرودهای گاهانی و یشتی در دوره باستان و اشعار گویندگان فارسی پس از اسلام. تفاوت‌هایی که دیده میشود در نحوه ارائه این عوامل است، مثلاً تکرار از مهمترین شگردهای ادبی است که در همه اشعار ایرانی، از گاهان تا شعر معاصر نمودی چشمگیر یافته است، اما در کتب بلاغت پس از اسلام برای آن انواعی ذکر شده است چون تکرار واج، تکرار واژه (تکریر)، ردالقافیه، ردالمطلع، تصدیر، ترجیع‌بند و نمونه‌های دیگری که به نوعی در اشعار پیش از اسلام نیز دیده میشود. همانگونه که نمیتوان همه این آرایه‌ها را با نمونه‌های باستانی مطابقت داد، نمونه‌هایی از تکرار نیز در اشعار میانه و بالطبع در اشعار پیش از آن وجود دارد که در شعر فارسی نمیتوان یافت، اما در شعر اروپایی نمونه دارد.^۱

به رغم مشکلاتی که در تحلیل زیباشناختی اشعار دوره میانه وجود دارد، معتقدیم که در اغلب موارد (در حوزه معانی، کمتر و در حوزه بیان و بدیع، بیشتر) با همان ملاکهای بلاغت شعر فارسی، میتوان اشعار پیش از اسلام را تحلیل کرد. شباهتهایی که میان برخی از آثار دوره میانه و نمونه‌هایی از اشعار فارسی وجود دارد کار بررسی را با این دیدگاه آسانتر میسازد. مثلاً شباهتهای سبکی که میان یادگار زیران و

هزار بیت دقیقی و شاهنامه فردوسی وجود دارد، یا همانندیهایی که در استفاده از جلوه‌های بیانی، چون تشبیه، استعاره و تمثیل در اشعار مانوی و شعر عرفانی فارسی دیده میشود. گاهی از این هم میتوان پا را فراتر گذاشت و شباهتهایی را میان سرودهای گاهانی و غزلیات حافظ یافت.

برای اینکه نشان داده شود تا چه حد میشود در بررسی اشعار پیش از اسلام از سنجۀ کتب بلاغت دوره اسلامی استفاده کرد، همانسخن زردشت در گاهان که از فصاحت و بلاغت خود میگوید، نمونه بسیار خوبی است. قبل از نقل سخن زردشت، بهتر است به تعریف این دو اصطلاح، که معمولاً در آغاز کتابهای سنتی معانی و بیان و بدیع میآید بپردازیم. «فصاحت و بلاغت که آن را به فارسی گشاده‌زبانی و سخندانی نیز میگوییم آن است که سخن درست و شیوا و مناسب حال و مقام باشد که گفته‌اند: «هر سخن جایی و هر نکته مکانی دارد.» درستی سخن آن است که اجزاء کلام، و ترکیبندی آن، موافق قواعد دستور و لغت باشد، ... اما شیوایی سخن آن است که جمله روان و نزدیک به فهم، و در گوش شنونده، خوش‌آیند و به مقصود گوینده، وافی و رسا باشد» (همای، ۱۳۷۳: ۱۰ و ۱۳). زردشت در یسن ۳۱ بند ۱۹ باره خود میگوید:

«آن درمانبخش هستی، دانایی که راستی را دریافته، ای اهورا! گوش داده است (به تعالیم تو)،

آن که به سبب بیان روشن کلمات، بر زبانش مسلط است...» (Humbach, 1991: 131).

در این بند گویی فصیح بودن خود را بر پایه تعریف یادشده به رخ مدعیان میکشد، یا در یسن ۵۰ بند ۶ از تأثیر زبان یعنی بلاغت خود سخن میگوید: «او دارنده زبان خرد است» (Idem: 184).

همانگونه که بیان گردید بخش بسیار بزرگی از ادبیات بیش از سه هزار ساله ایران را دو دوره باستانی و میانه آن تشکیل میدهد. دوره میانه ادبیات ایران شامل آثاری است که عمدتاً از زبانهای فارسی میانه و پارتی از پیروان دین زردشتی و مانوی، و در این بخش، ترجمۀ انگشتشماری شعر به زبان سغدی برجای مانده است. برخی از این آثار منظوم و حاوی نکات ادبی و زیباشناختی است. در کتابهای نخستین دوره اسلامی غالباً اشاراتی به تبحر ایرانیان در علم بلاغت شده است، هرچند آثاری که بتواند به کمال و تمام بلاغت ایرانی را نشان دهد، از میان رفته است، اما با وجود این، وجوهی از عناصر زیباشناختی اشعار ایرانی را در همین آثار موجود میتوان یافت. بررسی جنبه‌های ادبی و زیباشناختی اشعار دوره میانه این عناصر را آشکار میسازد، آثاری که از یک سو میراثدار سنتهای ادبی باستاناند، و از سوی دیگر داراییویژگی‌هایی هستند که تأثیر خود را در دوره بسیار درخشان بعدی؛ ادبیات فارسی به یادگار گذاشته‌اند.

۱ ۴. موضوع پژوهش

بررسی زیباشناختی آثار منظوم دورهٔ میانه که به زبانهای فارسی میانه و پارتی و اشعار مانوی که به زبان سغدی بر جای مانده است.

۱ ۳. قلمرو پژوهش

۱-۳-۱. قلمرو مکانی: شمال غربی ایران بزرگ (پهلوی اشکانی یا پارتی) و جنوب غربی آن (فارسی میانه یا پهلوی)

۱-۳-۲. قلمرو زبانی: دورهٔ ایرانی میانه، از ۳۳۱ پیش از میلاد (فروپاشی هخامنشیان) تا چند سده پس از سقوط دولت ساسانی در سال ۶۵۱ میلادی.

۱-۳-۳. قلمرو موضوعی: آثار مورد بررسی در دو گروه قرار میگیرند؛ آثار منظوم زردشتی و آثار منظوم مانوی. نخست به آثار منظوم زردشتی پرداخته شده است، این آثار به دو زبان فارسی میانه و پارتی اند که عمدتاً بازماندهٔ دورهٔ ساسانی است مانند اندرزنامه‌های منظوم و یا آثاری است که ریشهٔ اشکانی دارد مانند حماسهٔ دینی یادگار زریران و مناظرهٔ منظوم درخت آسوری. اشعار یادشده را زردشتیان به رشتهٔ تحریر در آورده‌اند. و دستهٔ دوم آثار گویندگان مانوی است شامل سرودهایی به زبانهای فارسی میانه و پارتی و ابیاتی پراکنده از سرودنامه‌هایی که به زبان سغدی ترجمه شده است.

۱ ۴. اهمیت و ضرورت پژوهش

پژوهش در بارهٔ جنبه‌های ادبی و زیباشناختی آثار منظوم ایران در دورهٔ میانه از جهات متعدد دارای اهمیت است. نخست دورهٔ میانه به منزلهٔ حلقهٔ ارتباطی اشعار فارسی با گذشتهٔ باستانی آن، حاوی عناصر زیباشناختی و بلاغی است که شناخت آنها، نوع نگرش پیشینیان را به مقوله شعر مینمایاند؛ دیگر این که نحوهٔ استفادهٔ کنایی و مجازی از زبان، بیانگر نوع نگاه مردمان به محیط و زندگی خود، و نمودار شادیه‌ها و رنجهای آنان است که شناختن آنها بر آگاهیهای جامعه‌شناختی ما از این دوره خواهد افزود؛ سدیگر این که از چشمانداز ادبی به این آثار نگرستن، و چگونگی استفادهٔ گویندگان این دوره را از جنبه‌های بلاغی زبان شناختن درفهم درستتر مطالب خود آثار هم میتواند راهگشا باشد.

در تاریخ ادبیات فارسی، دوره‌های میانه و باستان ادبیات ایران چنانکه شایسته و سزاوار بوده است در سیر تاریخی شعر فارسی مورد اعتنا قرار نگرفته است، با توجه به اینکه سرچشمهٔ شعر فارسی را باید در این

ادوار جستجو کرد، بیشک تحلیل و بررسی زیباییشناختی شعر در دوره میانه، یافتن نکات بلاغی مشترک، مغایرتها و تفاوتهای موجود بین این دوره و دوره پس از اسلام، شناخت ما را هم از پیشینه ادبی این مرز و بوم و هم از ادبیات فارسی دری بیشتر خواهد کرد.

۱.۵. اهداف پژوهش

- معرفی آثار منظوم زردشتی و مانوی در دوره میانه به زبانهای فارسی میانه، پارتی و سغدی
- بررسی این آثار از لحاظ ادبی و زیباییشناختی و ملاحظاتی به پیشینه باستانی آنها و اشاراتی به اشعار فارسی
- ارائه نمونههایی از آثار فارسی میانه، پارتی و سغدیو تحلیل ادبی و زیباییشناختی آنها
- به طور کلی شناخت ویژگیهای شعر در دوره میانه ایران

۱.۶. کاربردهای پژوهش

پژوهش حاضر میتواند مورد استفاده دانشجویان رشته فرهنگ و زبانهای باستانی، دانشجویان زبان و ادبیات فارسی، پژوهشگران فرهنگ ایران باستان، پژوهشگران حوزه تاریخ ادبیات، نقد ادبی و به طور کلی مورد استفاده علاقمندان به ادبیات، و فرهنگ و زبانهای باستانی ایران قرار گیرد.

۱.۷. نوع پژوهش

تحقیق حاضر از نوع بنیادی است و به شیوه سندکاوی و کتابخانهای و به صورت تحلیلی انجام گرفته است. کتابخانهای است زیرا اساس کار متن بوده، و تحلیلی است زیرا محتوای متون از لحاظ ادبی و زیباییشناختی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

۱.۸. سؤالات پژوهش

- ۱- متون منظوم زردشتی به زبانهای فارسی میانه و پارتی در دوره میانه دارای چه ویژگیهای ادبی و زیباییشناختی است؟
- ۲- سرودهای بازمانده مانوی به زبانهای فارسی میانه، پارتی و سغدی دارای چه ویژگیهای ادبی و زیباییشناختی است؟
- ۳- در بررسی آثار منظوم دوره میانه تا چه حد میتوان از اصطلاحات علم بلاغت پس از اسلام استفاده کرد؟

- ۴ - پیشینه باستانی شعر دوره میانه را در چه آثاری میتوان یافت؟
- ۵ - در بررسی جلوه‌های زیباشناختی و بلاغی اشعار دوره میانه چگونه میتوان از اشعار فارسی دری بهره گرفت؟

۹. ۱. فرضیه‌های پژوهش

- ۱ - متون منظوم زردشتی به زبانهای فارسی میانه و پارتی، دارای ساختار ادبی و جلوه‌های بلاغی و شاعرانه متناسب با انواع تعلیمی و حماسی آثار آن است.
- ۲ - سرودهای بازمانده مانوی به زبانهای فارسی میانه، پارتی و سغدی به دلیل احتواء بر مضامین عرفانی به استفاده از عناصر حوزه علم بیان و بدیع گرایش بیشتری نشان داده‌اند.
- ۳ - به دلیل اشتراکات بسیار بین شعر دوره میانه و شعر فارسی، میتوان از بلاغت دوره اسلامی برای تحلیل زیباشناختی اشعار دوره میانه استفاده کرد، و در مواردی که در شعر فارسی تعریفی برای آن عرضه نشده میتوان از ملاک دیگری چون نمونه‌هایی از اشعار غرب کمک گرفت.

۴ - آثار منظوم گاهان و یشتها از دوره باستان ادبیات ایران وجود دارند که در شناخت پیشینه شعر دوره میانه منبعی مهم به شمار میروند.

- ۵ - در بررسی جلوه‌های زیباشناختی و بلاغی اشعار دوره میانه در بخش اشعار زردشتی میتوان از اشعار گویندگان سبک خراسانی شعر فارسی چون منوچهری، فرخی و فردوسی و در اشعار مانوی از شعر شاعران سبک عراقی آن چون سنایی و مولانا بهره گرفت.

۱۰. ۱. تعریف واژه‌های مهم و کلیدی

زیبایشناسی : بررسی عوامل زیبایی‌آفرین در شعر، چون نظم، تناسب، هماهنگی، تکرار، توازن، تقارن، شگفتانگیزی، چند بعدی بودن.

آثار منظوم: آثاری که وزن آنها مبتنی بر نظم هجایی است، یعنی در هر مصراع شمار هجاها اساس نظم است.

فارسی میانه: یا پهلوی، یا پهلوی ساسانی زبانی از شاخه غربی زبانهای ایرانی میانه غربی که در دوره ساسانی در ایران رواج داشته و تا چند سده پس از اسلام ادامه یافته است.

پارتی: یا پهلوانی، یا پهلوی اشکانی، زبانی از شاخه غربی زبانهای ایرانی میانه غربی که در دوره اشکانی در ایران رواج داشته است.

سُغدی: از زبانهای ایرانی میانه شرقی است که از قرن اول تا سیزدهم میلادی، از دریای سیاه تا چین، مردمانی ایرانی تبار بدان تکلم میکردند.

بلاغت: شیوا سخنی، چیره زبانی و سخندانی است و در اصطلاح به مجموعه علوم معانی و بیان و بدیع اطلاق میشود.

اشعار زردشتی: آثار منظومی که زردشتیان به زبان فارسی میانه و در مواردی با عناصر پارسی برجای گذاشته‌اند.

سرودهای مانوی: سرودهایی به زبانهای فارسی میانه، پارسی و سُغدی که مانی و پیروان او تصنیف کرده‌اند.

۲ - روششناسی پژوهش

روش پژوهش این رساله به شیوه سندکاوی و کتابخانه‌ای انجام گرفته است. نخست آثار منظوم فارسی میانه چون یادگار زریران، درخت آسوری، اندرزنامه‌های منظوم و دیگر اشعار زردشتی و سپس اشعار مانوی به زبانهای فارسی میانه، پارتی و سغدی از میان معتبرترین منابع، مورد مطالعه قرار گرفته است. سپس به ترجمه‌های فارسی و انگلیسی این اشعار مراجعه شده و تقریباً همه توضیحاتی که در باره درستخوانی این اشعار و برخی واژه‌های آنها که از سوی محققان عرضه شده مورد ملاحظه قرار گرفته است.

مرحله بعدی شناسایی عناصر زیبایی‌آفرین شعر در کتب بلاغت فارسی چون ترجمانالبلاغه، حدائقالسحر، المعجم فی معاییر اشعارالعجم و آرای معاصرین در باره زیباییشناسی شعر فارسی دری بوده است. آنگاه اصطلاحات ادبی در برخی کتب غربی و نیز آثاری که محتوای آنها بررسی و ویژگی‌های ادبی و بلاغت شعر هند و اروپایی، بویژه شاخه ایرانی آن - که عمدتاً در باره اوستا بوده است -، مورد مطالعه قرار گرفته است.

ابزار گردآوری اطلاعات برگه‌برداری بوده است. مطالعه کلی نخست که اهم جلوه‌های بیانی و صناعات ادبی موجود در آثار منظوم دوره میانه و روند تغییر و تحول آنها را از آغاز شعر ایرانی در گاهان تا شعر فارسی دری در اختیار نگارنده قرار داده بود، جستجویمصادیق آنها را از میان اشعار میسر ساخت، بدین ترتیب که در مطالعه بعدی اشعار، مصرعها یک‌یک به یک از لحاظ ادبی بررسی گردید و عناصر ادبی آنها بر روی برگه‌های جداگانه نوشته شد. پس از انجام این کار، داده‌ها با روش کیفی و عقلی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

۳ - پیشینه موضوع پژوهش

تا کنون اغلب بررسی‌هایی که در حوزه زیباییشناسی شعر دوره میانه ایران صورت گرفته است، بیشتر مربوط به وزن این اشعار بوده است و پس از آن وجود احتمالی قافیه. نخستین کسی که به وجود نظم در دریکی از متون پهلوی پی برد آندرها آس بود که در ضمن مطالعه کتیبه شاپور اول در حاجیآباد متوجه شد که آخر متن پهلوی ساسانی را میتوان مرکب از یک سلسله مصراعهای هفت یا هشت هجایی دانست که جای تکیهها در هر مصراع معین است. سپس در نتیجه کشفیات تورفان قسمتی از کتب مانی و مانویان به دست آمد و در میان آثار ایشان سرودها و قطعات شعری کشف شد. خاورشناسان قواعدی از نظم را در اشعار مانویان دریافتند. بعضی از این شعرها را جکسن در کتاب راجع به مانی گرد آورده و توضیحاتی در باره وزن آنها داده است (ناتل خانلری، ۱۳۶۷: ۴۴).

نخستین کسی که مطالعاتی روشمند درباره ساختار آثار منظوم ایرانی میانه انجام داد، بنویست بود که سه اثر مهم از خود در این زمینه برجای گذاشت^۲. اما مبانی وزن شناختی موجود در ترکیب شعر فارسی میانه را در واقع هنینگ کشف کرد. او که در ابتدا فکر می کرد این اشعار از تعداد معینی هجا در هر بیت تشکیل شده، بعداً دریافت که این امر با واقعیت منطبق نیست. هنینگ در باره ساختار شعر ایرانی میانه با چشم پوشی از برخی اشکالات، دیدگاه جدیدی را مطرح ساخت: «اساس شعر هم به اندازه هجاها و هم به تعداد هجاها بستگی دارد، از این طریق است که نظم شکل می گیرد» این قاعده را او بعدها با دقت بیشتری مورد بررسی قرار داد، و نشان داد که به جز زبانهای ایرانی میانه غربی، در زبانهای دیگر نیز معادل هایی چنین میتوان یافت. شاکد در مقاله خود در باره وزن شعر دوره میانه (Shaked, 1970) دیدگاه هنینگ را در این باره که تکیه اساس ایجاد آهنگ در شعر است مورد انتقاد قرار داد، از جمله آنکه این امر نیاز دارد که با ساختار چگونگی آهنگ در ایرانی میانه آشنایی داشته باشیم که ما این آگاهی را نداریم. او

روند شکل گیری موضوع را آنگونه که در مورد هیننگ صورت گرفته، به اختصار مرور کرده است، با

این هدف که شاید از این طریق بتوان پرسشهای مربوط به چنین پژوهشی را بهتر درک کرد:

«اولین نمونه هایی که هیننگ از لحاظ مبتنی بودن وزن بر تکیه، مورد بررسی قرار داد، از متون پارسی مانوی اخذ شده بود.^۳ در آن نوشته بنظر می آید در برخی موارد او اطمینان کاملی از تکیه های داده شده به هجاها نداشته است؛ به دلیل این اشکال مهم که آیا باید به واژگان یا ترکیبات طولانی یک تکیه داد یا بیشتر؟، و یا اینکه برای حروف اضافه کوتاه می توان قائل به وجود تکیه بود یا نه. به همین دلیل در عبارت های همانند نوعی عدم هماهنگی از لحاظ توزیع تکیه ها می بینیم:

.. *až ándarvāž*
áž zamīyrōšn

حرف اضافه *až* یک جا تکیه دار و جای دیگر بدون تکیه قلمداد شده است. نمونه هایی این چنین را در مورد حرف اضافه *ō* هم می بینیم:

ō tō vispúhr
ō piðar rōšn

بنظر می رسد که در مثال دوم، دلیل این انتخاب اجتناب از توالی دو تکیه در هجاهای پشت سرهم بوده است. این وسواس به خروج از این قاعده که هجای آخر واژه حتماً باید تکیه دار باشد، انجامیده است:

namāžut búrd.....
fryānay rōšn.....

هیننگ در مقاله بعدی خود احتمال وجود دو هجای تکیه دار را در مجاورت یکدیگر تلویحاً پذیرفت.^۴

هیننگ در مقالات خود به عناوین «فروپاشی مطالعات اوستایی» و «شعری به زبان پهلوی»

گام بعدی را در بررسی شعر ایرانی میانه برداشت. مقاله اخیر را، که در بررسی درخت آسوریک بود، باید به منزله نقطه آغاز قلمداد کرد. قاعده جدیدی که او به معرفی آن پرداخت، مقایسه طول بیت ها از طریق هجاهای آن بود. او به این نتیجه جالب دست یافت که گرچه تعداد هجاها در هر سطر دقیقاً ثابت نیست اما تعداد هجاهای یک سطر در هر شعر بین حداقل و حداکثر یک نوسان ثابت دارد. نوسان حداقل و حداکثر در طول ابیات در مقایسه با میانگین، تقریباً یکسان است. با این رویکرد، تحلیل آماری شمار هجاها به عنوان ابزاری مفید در کشف اصول شعر ایرانی میانه مورد پذیرش قرار گرفت، به گونه ای که مری بویس در پژوهش خود

با عنوان مجموعه ای از سرودهای مانوی پارتی^۵ از آن بهره کافی و وافی برد. نام کلی این اثر بیانگر محدودیت هایی است که پژوهش در باره این روش شعری با آن روبرو است. ما الگوی ثابتی برای توزیع تکیه در بیت آنگونه که در هر کدام از اشعار به کار رفته، در اختیار نداریم، اما آنها قاعدتاً از نوعی کیفیت وزنی برخوردار بوده اند که در نوشتار نمود پیدا نکرده، ولی مردم به واسطه آن میتوانند تفاوت این اشعار را تشخیص دهند. بدین لحاظ به تفاوت هر کدام از دو منظومه مورد بررسی مری بویس، تنها با مقایسه آماری تعداد نسبتاً زیادی از ابیات آنها می توان پی برد، چون که آنها از نظر میانگین کل ابیات است که با یکدیگر فرق می کنند، اگر نه وقتی که یک مصرع یا بیت از بقیه شعر جدا شود، به دشواری می توان در باره آن سخن گفت. نویسندگان این اشعار ظاهراً برای هر شعری از نظام شعری معینی استفاده می کرده اند، که این نیز بنظر می آید بر طول مصراع ها و ساختار داخلی آنها تأثیر می گذاشته است. این نظام شعری تاکنون تن به بررسی و تحلیل نداده است، شاید دلیل آن نامشهود بودن ساختار زبانی این اشعار است. ممکن است هر شعری با ساز یا لحن ویژه ای همراه می شده که الگوی وزن را بدون قرار گرفتن در یک طرح ثابت و معین تحت تأثیر قرار می داده است (Idem: 395-397).

شاکد خود به نقد دیدگاه هنینگ پرداخته و مشکلات بررسی وزن شعر در ایرانی میانه را بر پایه تکیه برشمرده است. از جمله برخی کلمات چون حروف اضافه و ادات و همچنین پیچسبها که نمیتوانند قابلیت حمل تکیه را داشته باشند. از این رو دیدگاه جدیدی را مطرح کرد مبنی بر این که شاعران عصر ایرانی میانه شمار تکیه ها را در نظر نمیگرفتند، همانگونه که تعداد هجاها را محسوب نمیداشتند، هر چند هر دو عامل - شمار معمول تکیه ها و میانگین هجاها- به طور جدی در پس زمینه حضور داشته است. به اعتقاد او، جدای از عنصر آهنگ که عامل تأثیرگذار و تعیینکنندهای در شکلگیری یک شعر بوده، که متأسفانه خود را در نوشتار نشان نمیدهد، عامل بسیار مهم دیگری که از این لحاظ به عنوان یک شگرد ادبی نقش داشته، مکث است. جایگاه و تعداد مکث های یک بیت باعث تمایز یک شعر از اشعار دیگر میشده است. نوعی شعر طبعاً وجود داشته با یک مکث، که بخش قبل از مکث یا وقفه به طور متوسط طولانی تر از بخش دیگر بوده است و یا بر عکس. نوع رایج دیگر، شعری بوده دارای سه مکث که از چندین بیت تشکیل می شده، با یک وقفه طولانی تقریباً در وسط و دو وقفه طولانی تر که هر بخش را به دو مصراع معمولاً نامساوی تقسیم می کرده و مشخصه این شعر نیز این بوده که مصراع اول یا دوم طولانی تر از آن یکی بوده است. نوع سوم شعر که در اندرزنانههای جاماسب آسا آمده است، هر بیت دو

وقفه دارد، وقفه دوم سنگینتر است و بیتها را به دو قسمت مساوی که بخش اول بسیار بزرگتر از بخش دوم است، تقسیم میکند. بخش اول به نوبه خود از طریق مکث ثانوی دو قسمت می شود، که در اینجا نیز بخش نخست تقریباً طولانیتر از بخش دوم است. بنابراین به واسطه وقفه، همراه با روش های کمرنگ ادبی دیگر می توان به قالب های متعدد دست یافت. قطعاً شگردهایی چون طول بیت، که به تعداد هجاها یا تکیه ها ارتباط داشت در شکل دهی شعر نقش ایفا میکرده است، اما دشوار است باور کردن اینکه اینها ابزار آگاهانه هنر شاعر بوده‌اند، چرا که اگر چنین بود اینقدر بی دقت و صرفاً به شکل آماری به کار برده نمیشدند (Idem: 404).

مری بویس نیز در تقطیع هوید گمان و انگدروشان در کتاب منظومه‌های مانوی به زبان پارتی خود روش هنینگ، یعنی کمیّت هجاها و تکیه را به کار گرفت، اما خود معترف است هنوز در باره وزن این اشعار اشکالاتی وجود دارد (Boyce, 1954: 59).

جدیدترین بررسی را در وزن شعر این دوره لازار در باره وزن شعر پارتی انجام داده است. او این اشعار را منظوم به نظم تکیه شعری (ictus) دانسته است. «تکیه شعری تکیه‌های است که ممکن است با تکیه معمولی واژه فرق کند و یا با آن یکی باشد. لازار میگوید واحد شعری در پهلوی اشکانی پارهای است دوییتی که هر بیت دو مصرع دارد و هر پایه یک تکیه شعری. لازار تکیه شعری را از آن هجای سنگین پایانی واژه میداند. وی هجا‌های پهلوی اشکانی را در شعر به هجای سنگین (lourde) و هجای سبک (légère) تقسیم میکند. لازار هجای بلند را هجای سنگین به شمار می‌آورد و تکیه شعری را از آن آن میداند. وی هجای سبک را عبارت میداند از: ۱- هجای کوتاه. ۲- هجای بلندی که تکیه ندارد، چون حرف اضافه، حرف ربط. ۳- هجای آغازی که از i و s ساخته شده است، چون istun (= ستون)، ispurr (= پر)» (ابوالقاسمی، ۱۳۸۳: 162).

بحث قافیه در شعر دوره میانه را نیز هنینگ مطرح کرد. او میپذیرد که در شعر دوره میانه کوششی آگاهانه و عمدی در جهت ایجاد قافیه در شعر صورت نگرفته است، اما از متون پهلوی جاماسب آسانا یک متن اندرزی را نقل کرده که معتقد است وجود قافیه در آن اتفاقی نیست:

<i>dārom andarz-ē az dānāgān</i>	<i>az guft-i pēšēnīgān</i>
<i>ō šmāh bē wizārōm</i>	<i>pad rāsītī andar gēhān</i>
<i>agar [ēn az man] padīrēd</i>	<i>bavēd sūd-i dō-gēhān</i>
<i>pad gēfī vīstāx* ma bēd</i>	<i>was-ārzōg andar gēhān</i>
<i>cē gēfī pad kas bē nē kišt-hēnd</i>	<i>nē hušk ud [nē] xān-u-mān</i>

(ee iii ,, 355).

از پژوهشگران دیگری که وجود قافیه را در شعر دورهٔ میانه محتمل دانسته‌اند، اوتاس است. او که ویژگی های ادبی یادگار زیریران را مورد بررسی قرار داده است، با تقسیم بندی متن به سه بخش، در یکی از این بخشها معتقد است که شناسه‌های فعلی مضارع نوعی قافیه به وجود آورده‌اند که در فصل یادگار زیریران آن را نقل کرده‌ایم.

تحقیقاتی که در بارهٔ عناصر زیباشناختی شعر دورهٔ میانه صورت گرفته، عمدتاً در بارهٔ وزن و اندکی هم در بارهٔ قافیه بوده است، جنبه‌های بلاغی شعر این دوره در حوزه‌های معانی، بیان و بدیع کمتر مورد بررسی جامع قرار گرفته است. نظریات در این مورد غالباً پراکنده بوده و گاهی کلیاتی در بارهٔ برخی ویژگیهای آثاری چون یادگار زیریران و درخت آسوری بیان شده است، مثلاً اوتاس به برخی از جنبه‌های معنی شناختی یادگار زیریران چون زمان روایت آن پرداخته و بجز وزن و قافیه به چند ملاک شعریدر آن، چون جملات کوتاه، تکرارهای پیدرپی، ساختار مشابه، ترتیب بیقاعدۀ کلام به صورت مکرر، تکرارهای موزون و ترجیعوار کلمات و عبارات، استفاده از صفت اشاره کرده است (Utas, 1975: 404-408). هنینگ و مری بویس نیز در اشعار مانوی دسته‌گریخته مواردی را متذکر شده‌اند. آنها غالباً موسیقی درونی شعر را برپایهٔ اصطلاحات ادب اروپایی چون بازیه‌های لفظی و غیره مورد توجه قرار داده‌اند که در بخش زیباییشناسی اشعار مانوی به آنها اشاره شده است.

در ایران ملکالشعراء بهار و دکتر پرویز ناتل خانلری در بارهٔ شعر دورهٔ میانه مطالبی نوشته‌اند، در آثار آنان مانند اغلب اروپائیان بیشتر وزن و قافیه‌در این اشعار مورد توجه و بررسی قرار گرفته است. استاد ابوالقاسمی نیز کتابی به اشعار پیش از اسلام اختصاص داده که در بخش دوم آن اشعار دورهٔ میانه معرفی و بررسی زبانی شده‌اند. در این کتاب نیز که بیشتر به وزن و واژگان اشعار توجه شده، مختصری هم به جنبه‌های بلاغی آنها چون مبالغه، تشبیه، استعاره و وصف پرداخته شده است.^۶ دکتر ابوالقاسم اسماعیل پور نیز که شعر دورهٔ میانه را مفصلتر از بقیه مورد توجه قرار داده است، اما به بررسیهای بلاغی این آثار چندان نپرداخته است.^۷ دکتر گلنم شریفی در رسالهٔ دکتری خود با عنوان *آرایه‌های ادبی در نوشتگان پهلوی همه متون پهلوی را اعم از نظم و نثر از دیدگاه ادبی مورد بررسی قرار داده است*، اما او به این آثار تنها از منظر علم بیان پرداخته و موارد تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه و انواع آنها را ذکر کرده است.

۴ - زیباشناسی آثار منظوم دوره میانه

۴.۱. زمینه تاریخی بحث

شعر در ایران سابقهای بسیار طولانی دارد. اشعار دوره میانه که در این رساله مورد بررسی و نقد زیباشناختی قرار گرفته‌اند، خود وارث سنت نیرومندی از ادبیات دوره باستان به شمار می‌روند. به طور کلی زبانهای ایرانی باستان که نخستین اشعار موجود ایرانی در قالب آن به منصه ظهور رسیده است، مرحله نخست از سه دوره تاریخی زبانی ایران را تشکیل می‌دهد. از سه زبان این دوره، اوستای کهن، اوستای نو و فارسی باستان، آثاری بر جای مانده است. فارسی باستان زبان یادمانهای کتیبه‌های شاهان هخامنشی در قرن ششم تا چهارم پیش از میلاد است.

ساخت دستوری اوستای کهن با ریگودا، کهنترین بخش ودهای هندی کم و بیش برابر است. این تطابق آشکار می‌سازد که بخش کهن اوستا به نیمه دوم هزاره دوم پیش از میلاد تعلق دارد. اوستای نو بدون هیچگونه تمایزی به منتهای گوناگونی اطلاق می‌شود که از لحاظ زبانی یکدست نیستند، برخی از نظر دستوری از ساخت محکم و درستی برخوردارند، و برخی از آنها را نیز بنظر می‌آید گروهی گردآوری کرده‌اند که دیگر شناخت درستی از دستور آن نداشته‌اند. آن بخش از اوستای نو را، که ساختار درست دارد با کتیبه‌های کهن فارسی باستان؛ و منتهای دارای ساختار جدیدتر را با فارسی باستان «نادرست» سده چهارم پیش از میلاد میتوان سنجد. از آنجا که نام هیچ مکان جغرافیایی مربوط به غرب ایران (نه مادی و نه هخامنشی) در این متون نیامده است، از این رو میتوان کهنترین منتهای اوستای نو را به دوره پیش از هجوم ماد، حدود ۷۰۰ پیش از میلاد، و جدیدترین متون را به اواخر دوره هخامنشی (حتی برخی را به پس از آن) منتسب کرد. احتمالاً قدیمیترین منتهای اوستای نو در سده‌های هشتم/نهم پیش از میلاد تصنیف و گردآوری شده است (Watkins, 1995: 57).

از میان مجموعه اوستای کهن و نو، گاهان و یشتها منظومانند، بنابراین بسیاری از سنتهای شعری ایران باستان را در آنها باید جستجو کرد. اسلوب شاعرانهای که در این دو گروه سرودهای باستانی به کار رفته، با یکدیگر متفاوت است و بررسی تطبیقی اشعار ایرانی باستان با دیگر اعضای خانواده زبانه‌های